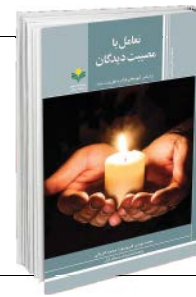


کتاب «تعامل با مصیبت دیدگان» اثر محمد مهدی فیروز مهر و محمد کاویانی است که در پژوهشگاه فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه و به همت نشر این پژوهشگاه در ۸۱ صفحه به چاپ رسید.



**سردبیر:** میثم رشیدی مهرآبادی  
**مدیر هنری:** حمیدرضا خاتونی  
**صفحه آرا:** مجتبی دهقانی  
**جلد:** سپهر سهامی فرد  
**ویرایش عکس:** زرناز حسینی  
**ویراستار:** اکبر فکری

**همکاران این شماره:**  
مصطفی جواهری، مجید آزاد  
ملینا گیوهکی، الهام اشرفی  
آرینکا عمادی، سعیده اسداللهی  
نازنین فاطمه امیرفرجی  
حسین شرفخانلو، محمدرضا خراسانی زاده و زینب گل محمدی

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴  
JAMEJAM.NEWS  
کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳  
info@jamejamdaily.ir

چند خط برای کتاب «من شجاعت هستم» به قلم سوزان ورده

## چگونه توانمندی‌هایمان را بشناسیم

جایمان بلند شویم و ادامه بدهیم. این جمله‌ها همان دیشب که داشتم پشت جلد را می‌خواندم باعث شد حال خوبی پیدا کنم چون همیشه فکر می‌کردم نباید ترسو باشم و اگر از چیزی بترسم باید خجالت بکشم. در صفحه اول این کتاب هم نوشته شده است کتابی برای خودباوری. ما در تمام صفحه‌های این کتاب، نقاشی‌های خیلی قشنگی می‌بینیم که در کنارش یک جمله خوب در مورد شجاعت واقعی نوشته شده است. یعنی ما در این کتاب شجاع بودن واقعی را یاد می‌گیریم و یاد می‌گیریم خودمان را باور کنیم. این کتاب به ما یاد می‌دهد که چگونه توانمندی‌هایمان را بشناسیم. صفحه آخر این کتاب هم مثل کتاب‌های دیگر این مجموعه یک صفحه سخن نویسنده دارد. نویسنده این کتاب هائل من به حرکات یوگا خیلی علاقه مند است. این کتاب هم چند حرکت یوگا مثل حرکت درنده، جنگجو، حرکت تنفس شیر و حالت تنفس را به ما یاد می‌دهد و فایده این حرکات را به ما می‌گوید.

من همه این حرکات را امروز در مدرسه به دوستان هم‌کلاسی‌ام یاد دادم و معلم‌مان از من خیلی تشکر کرد. شما هم این کتاب خوب را بخوانید و این حرکات را با دوستان‌تان تمرین کنید. خیلی کیف می‌دهد.



نازنین فاطمه امیرفرجی	
نوجوان	
کتابخوان	

سلام بچه‌ها. حالا دیگر تابستان تمام شده و همه ما برگشته‌ایم به مدرسه. می‌دانم مشق نوشتن و مدرسه رفتن کلی از وقت ما را می‌گیرد اما نباید کتاب خواندن را کنار بگذاریم و خسته شویم. من خودم حالا که مجبورم ساعت ۹ شب بخوابم یک ربع قبل از خواب کتاب می‌خوانم. کتابی را که امروز می‌خواهم به شما دوستانم معرفی کنم، دیشب خواندم. این کتاب از یک مجموعه‌ای است که قبلاً به شما معرفی کرده بودم. از مجموعه کتاب‌های «من... هستم» یکی کتاب «من شجاعت هستم» است. این کتاب خیلی برای ما مفید است. این مجموعه را انتشارات مهرسا چاپ کرده است که من قبلاً چند جلد از آن را به شما معرفی کرده‌ام. پشت جلد این کتاب چند جمله در مورد شجاع بودن نوشته که من این جمله‌ها را خیلی دوست دارم. مثل این جمله: «شجاعت به معنای ترس بودن نیست» یا این که «ما باید یاد بگیریم چگونه شجاعانه رفتار کنیم» یعنی اگر یک وقت بازنده شدیم و شکست خوردیم چطوری بتوانیم از

معرفی کرده‌ام. پشت جلد این کتاب چند جمله در مورد شجاع بودن نوشته که من این جمله‌ها را خیلی دوست دارم. مثل این جمله: «شجاعت به معنای ترس بودن نیست» یا این که «ما باید یاد بگیریم چگونه شجاعانه رفتار کنیم» یعنی اگر یک وقت بازنده شدیم و شکست خوردیم چطوری بتوانیم از

■ برای کتاب «ورود ممنوع» نوشته سولماز خواجه‌وند

## فیلم مناسب سن خودتان را ببینید!

خانم آفتاب‌گردان متوجه می‌شود و نمی‌گذارد. آخرین بار آنها با لباس میدل وارد سینما می‌شوند و خیلی هم خوشحال‌اند. اما کم‌کم فیلم که شروع می‌شود آنها خیلی می‌ترسند. حتی سرشان را زیر جعبه ذرت پنهان می‌کنند، ولی باز هم صداهای ترسناکی می‌شنوند. آنها فرار می‌کنند و به خانه‌شان می‌روند. ولی شب در رختخواب خواب‌های ترسناک می‌بینند و آرزو می‌کنند کاش به دیدن فیلم نرفته بودند.

من هروقت می‌خواهم فیلمی ببینم از پدر و مادرم اجازه می‌گیرم و اگر فیلم مناسب من نباشد مامانم می‌گوید برو توی اتاق و نگاه نکن. در بعضی از فیلم‌ها و سریال‌ها اولش می‌نویسند که مناسب سن بچه‌ها هست یا نه. من همیشه به آن توجه می‌کنم. چون دوست ندارم شب‌ها خواب بد ببینم. البته الان بزرگ‌تر شده‌ام و می‌فهمم کدام فیلم واقعی است یا نه، با این حال مراقب هستم تصویر و فیلم ترسناک نبینم.



آرینکا عمادی	
نوجوان	
کتابخوان	

خیلی وقت‌ها می‌شنویم که بزرگ‌ترها می‌گویند شما بچه‌ها نباید فیلمی که مناسب سن‌تان نیست، ببینید. ولی ما بچه‌ها اغلب کنجکاو می‌شویم و دوست داریم آن فیلم را ببینیم و حتی نمی‌توانیم جلوی خودمان را بگیریم و گاهی یواشکی فیلم را می‌بینیم. داستان این کتاب در مورد همین موضوع است که با شخصیت‌های میوه‌ای و تصویرگری‌های بامزه قصه را می‌گوید. تربچه و خیار دو کودک هستند که حوصله‌شان سر رفته و تصمیم می‌گیرند به دیدن فیلمی بروند که خانم آفتاب‌گردان در شهر میوه‌ها تبلیغ می‌کند. ولی آنها را به سینما راه نمی‌دهند، چون فیلم ترسناک است و مناسب سن آنها نیست. ولی آن دو با هزار کلک و ترفند می‌خواهند بلیت سینما را بخرند، ولی هر بار

■ برای سه گانه «قاهره» اثر نجیب محفوظ با ترجمه محمدرضا مرعشی‌پور

## مواجهه با قدرت مخرب زمان

سعیده اسداللهی	
منتقد ادبی	

نجیب محفوظ در رمان رئالیستی سه‌گانه قاهره از طریق به نمایش گذاشتن زندگی یک خانواده یا گروهی از شخصیت‌های مرتبط به هم در طول نسل‌های مختلف، مصر و به خصوص شهر قاهره را در یک بازه زمانی به تصویر کشیده است. رمان تا قبل از قرن بیستم در جهان عرب هیچ تاریخچه‌ای ندارد اما بعد از اشغال مصر توسط انگلیس‌ها، نویسندگانی چون محفوظ به آثار ادبی غرب دسترسی پیدا کردند. دیگر زمان آن بود تا رمان‌هایی مطابق با فرهنگ عرب نوشته شود. نجیب محفوظ در رمان‌های گذر قصر، کاخ آرزوها و محله سکریه سه‌گانه قاهره را تالیف کرده است. وی با استفاده از تکنیک‌های شکست زمان، زاویه دید سیال ذهن، روایت غیر خطی و دیگر روش‌های مدرنیست به این رمان معنا بخشیده است. این سه‌گانه حول محور سه نسل از یک خانواده مصری می‌چرخد که از طبقه متوسط جامعه هستند. این رمان واقع‌گرا با رمان «گذر قصر» آغاز می‌شود که دوره‌ای از تاریخ مصر، از اواسط جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم را روایت می‌کند. بخش اول این رمان به جنبش‌های استقلال طلبی سراسر مصر و زندگی خانواده احمد می‌پردازد. پسر خانواده یکی از شهدای این دوران است. پدر شخصیتی کاملاً متناقض دارد و دو چهره متفاوت و متضاد در زندگی خانوادگی و بیرون از خانه به نمایش

تا انتهای رمان در دنیایی دوگانه و سرشار از متناقضات زندگی می‌کند. در سومین و آخرین جلد این رمان به نام «محله سکریه» همه چیز رو به زوال است. حتی جنگ، جنگ جهانی دوم که حالا سال‌های پایانی‌اش را سپری می‌کند و همراه با آن شخصیت‌هایی چون پدر مرد سالار که دیگر چیزی از او باقی نمانده و در یکی از شب‌های بمباران بر اثر حمله قلبی می‌میرد. در سه‌گانه نجیب محفوظ، عنصر اساسی زمان است. زمان است که ویران می‌کند و از شخصیت‌های قلدر داستان، انسان‌های ترحم برانگیز می‌سازد و ما همگی ناگزیر به پذیرش و تسلیم در برابر قدرت زمان هستیم. گرچه زمان در عین ویرانگری، عامل نوعی پیشرفت و تحول اجتماعی است و این دو توأمان در این سه‌گانه با هم پیش می‌روند. نجیب محفوظ با ظرافت و شیوه‌ای خاص به ثبت و ضبط جزئیات تصاویر جامعه مصر در این سه‌گانه پرداخته است. همچنین تقابل بین سنت و مدرنیته که از آغاز زمان دوم شروع می‌شود و تا پایان جلد سوم، همراه با قهرمان اصلی به اوج خود می‌رسد، به شیوه‌ای نمادین بیان شده که همین امر نشان از هوشمندی و تأثیرپذیری محفوظ از آثار بزرگانی چون فلور است. در این صورت چنین می‌توان عنوان کرد که این سه‌گانه، داستان زندگی یک خانواده و اعضای آن در مواجهه با قدرت مخربی چون زمان است و همچنین داستان آیندگانی است که در زمان به پیش می‌روند و بر دستاوردهای گذشتگان می‌افزایند و از خطاهایشان درس می‌گیرند و تکرارشان نمی‌کنند و به سوی آرمان‌هایشان می‌شتابند.

می‌گذارد. احمد نماینده گذشته مصر است. زندگی روزمره این خانواده تحت الشعاع حوادث و اتفاقاتی هابی که در قاهره می‌افتد، دگرگون می‌شود و با شهادت پسر بزرگ در یکی از تظاهرات‌های خیابانی این آشفتنگی به اوج می‌رسد. بعد از مرگ او تلاش‌های خانواده برای برگشتن به اوضاع و احوال سابق بی‌ثمر می‌ماند. در جلد دوم این رمان به نام «کاخ آرزو» شیوه غالب روایت، جریان سیال ذهن است. احوال درونی شخصیت‌ها به گونه‌ای با حافظه آنها پیوند دارد. در این جلد از سه‌گانه، تمرکز اصلی روی قهرمان دیگری به نام کمال است. کوچک‌ترین پسر خانواده که حالا دوره کودکی را سپری کرده و شاهد ضعف و تحلیل تدریجی پدر و مادر است. او به نفي ارزش‌های سنتی مصر، بالاخص ارزش‌های دینی اصرار دارد. تمام این‌ها حاصل رفتار دوگانه پدری است که در گذشته داعیه دینداری در خانه داشته و بعد توسط پسر بزرگ‌تر، ماجراجویی‌های شبانه، مصرف الکل و روابط نامشروعش برملا می‌شود. همین امر باعث سرخوردگی کمال از هر آن چه که در گذشته به آن اعتقاد داشته، می‌شود. همین تردید کمال بین سنت و مدرنیته با ماجرای دل‌باختگی‌اش به دختری جوان به زیبایی در هم تنیده و به تصویر کشیده شده است. عایده، دختری که کمال را شیفته خود کرده، نماد فرهنگ غرب است. او بیشتر زندگی خود را در پاریس گذرانده و تحت تأثیر فرهنگ غرب بزرگ شده است. عایده برای کمال یک عشق افلاطونی است و به واسطه همین موضوع او بیشتر به خیال‌بافی می‌پردازد. در نهایت کمال بین دنیای قدیم و جدید یک تصویر گنگ از خود بر جای می‌گذارد و همواره

